

The effect of social divisions on political participation (case study of the presidential elections 1376-1400)

Mujtaba Miri

Ph. D. Student in Political Sociology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran- Iran.

Mujtaba Maghsoodi

Associate Professor, Department of Political Science, Islamic Azad University, Tehran Branch, Tehran, Iran (Corresponding Author). E- mail: mojtaba.maghsoodi@iau.ac.ir

Hojatoallah Darvish Pour

Assistant Professor, Faculty of Political Sciences, Central Tehran Azad University, Tehran, Iran.

Considering the importance of social divisions on electoral political participation, studies have been conducted on this issue since the past decades; But these studies around a common question often have inconsistent results. According to numerous books and articles and the use of different research methods in the field of political-election participation and the impact of social divisions on it, a meta-composite view of this issue has not been done so far. The field of effective factors on political participation in the presidential election in Iran is to discover a coherent result from their research fields. The present research method is of a meta-composite type and with a comprehensive and general view of the scientific-research studies conducted in the period of 1376-1400 in the field of the impact of social-economic gaps on political participation in Iran's elections. The sample size of 37 articles has been selected according to the quality of the article, scientific-research and its relationship with the issue of social gaps and political participation in the presidential election. The results obtained in this research show that the socio-economic indicators (status, social base, social position, social class, social trust, education, job, income, getting a better life, economic issues, middle class, social pressure, center, periphery, fair distribution of wealth, class distance and deprivation) with a frequency of 15 have had a greater impact on electoral political participation than other social divisions.

Conflict of interest:

ACCORDING TO THE AUTHORS, THE ARTICLE DID NOT HAVE ANY CONFLICT OF INTEREST.

Key words: *Political Participation, Elections, Social Divisions, Trans Combination.*

فرا ترکیب اثرگذاری شکاف‌های اجتماعی بر مشارکت سیاسی؛

مطالعه موردی انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰-۱۳۷۶

مجتبی میری^۱

مجتبی مقصودی^۲

حجت‌الله درویش‌پور^۳

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۴۰۳/۱/۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۸/۲۲

چکیده

نظر به اهمیت اثرگذاری شکاف‌های اجتماعی بر مشارکت سیاسی - انتخاباتی از دهه‌های گذشته، مطالعاتی پیرامون این موضوع انجام شده است؛ اما مطالعات حول یک سؤال مشترک، غالباً نتایج ناهم‌سویی را داشته‌اند. با توجه به پژوهش‌های انجام شده و با بهره‌گیری از روش‌های مختلف پژوهشی در زمینه مشارکت سیاسی - انتخاباتی و اثرگذاری شکاف‌های اجتماعی بر آن، تاکنون نگاه فراترکیبی نسبت به این مسأله صورت نگرفته است. هدف این پژوهش بررسی پژوهش‌های انجام شده در زمینه عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی انتخاباتی ریاست جمهوری در ایران به منظور کشف نتیجه‌ای منسجم از یافته‌های پژوهشی با روش نگاه فراترکیب است. در این پژوهش با بررسی جامع ۳۷ مقاله علمی - پژوهشی در بازه زمانی ۱۳۷۶-۱۴۰۰ در زمینه اثرگذاری شکاف‌های اجتماعی - اقتصادی بر مشارکت سیاسی - انتخاباتی در ایران نشان می‌دهد که شاخص‌های اجتماعی - اقتصادی (منزلت، پایگاه اجتماعی، موقعیت اجتماعی، طبقه اجتماعی، اعتماد اجتماعی، تحصیلات، شغل، درآمد، کسب زندگی بهتر، مسائل اقتصادی، طبقه متوسط، فشار اجتماعی، مرکز، پیرامون، توزیع عادلانه ثروت، فاصله طبقاتی و محرومیت) با فراوانی ۱۵ نسبت به دیگر شکاف‌های اجتماعی اثرگذاری بیشتری بر مشارکت سیاسی - انتخاباتی داشته‌اند. واژگان کلیدی: مشارکت سیاسی، انتخابات، شکاف‌های اجتماعی، فراترکیب.

۱. دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی سیاسی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. دانشیار گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. E-mail: mojtaba.magsoudi@iau.ac.ir

۳. استادیار دانشکده علوم سیاسی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

نظام‌های سیاسی بر پایه اعتماد عمومی و اراده مردم استوار می‌گردند و استمرار و اقتدار آن‌ها وابسته به مشارکت و دخالت مردم است. این مشارکت در قالب‌های مختلفی شکل می‌گیرد؛ از جمله شرکت مردم در انتخابات و همه‌پرسی‌ها می‌باشد. مطالعه مشارکت سیاسی در هر جامعه‌ای، شناخت رفتار سیاسی مردم آن را میسر می‌سازد و مشخص می‌کند که در بسترهای اجتماعی گوناگون و میزان مشارکت سیاسی چگونه و تحت تأثیر چه عواملی تغییر می‌پذیرد. مشارکت سیاسی یکی از مفاهیم بنیادی علوم سیاسی و علوم اجتماعی است و مطالعات متعددی در این حوزه صورت گرفته است. از منظر جامعه‌شناسی می‌توان مشارکت در انتخابات را بررسی کرد و به زمینه‌های اجتماعی و تحولات ساختاری و نیز نیروهای جدیدی که مشارکت سیاسی آن‌ها این پدیده را ممکن ساخته است، پرداخت. به قول لازار سفلد، فرد از نظر سیاسی آن گونه می‌اندیشد که از نظر اجتماعی در آن زندگی می‌کند. یعنی عوامل اجتماعی تعیین کننده گرایش‌های سیاسی و کنش مشارکتی می‌باشد. درباره الگوهای رأی دادن تأکید می‌کند که متغیرهایی چون مذهب و سن و طبقات اجتماعی و امثال آن هستند که گرایش‌ها مشارکت سیاسی را تعیین می‌کنند. مشارکت سیاسی رفتاری است که بر نتایج حکومتی تأثیرگذار بوده و شرکت در انتخابات نیز در هر دو وجه انتخاب شونده و انتخاب کننده مهم‌ترین نوع مشارکت مستقیم سیاسی محسوب می‌شود. با این وجود مشارکت انتخاباتی مهم‌ترین و متداول‌ترین نوع مشارکت سیاسی است. از طرف دیگر وجود نیروها و گروه‌های اجتماعی مبتنی بر علایق گوناگونی در درون ساخت جامعه هستند. شکاف‌های اجتماعی از ویژگی پایداری و تداوم برخوردار بوده و از سایر پدیده‌های اجتماعی که در کوتاه مدت شکل می‌گیرند، متفاوت هستند. بنابراین، شرط پایداری زمینه را برای گروه‌بندی‌ها و صف‌بندی‌ها در جامعه حول محور آن‌ها فراهم می‌کند. به طور مشخص شکاف‌های اجتماعی حکایت از تمایزها و تفاوت‌هایی است که موجد گسست، صف‌آرایی و گروه‌بندی در ساخت جامعه می‌شوند. بر این اساس گروه‌های اجتماعی از یکدیگر جدا و در مقابل هم قرار می‌گیرند.

چنین علایقی معمولاً حول شکاف‌های اجتماعی شکل می‌گیرند. شکاف اجتماعی عملاً موجب تقسیم و تجزیه جمعیت و تکوین گروه‌بندی‌هایی می‌گردد و این گروه‌بندی‌ها ممکن است تشکل‌ها و سازمان‌های سیاسی پیدا کنند (۵: ۵۱). قاعده کلی جامعه‌شناسی سیاسی این است که زندگی سیاسی در هر کشوری به شیوه‌های گوناگون تحت تأثیر شکاف‌های اجتماعی خاص آن کشور و نحوه صورت‌بندی آن شکاف‌ها قرار دارد (۵: ۱۰). بر این اساس، یکی از مباحث مهم در مشارکت انتخاباتی تأثیر شکاف‌های اجتماعی است. بدین معنی که شکاف‌های اجتماعی یکی از مهم‌ترین توضیح دهنده‌های مشارکت انتخاباتی هستند. در این پژوهش هدف بررسی پژوهش انجام شده در زمینه شکاف‌های اجتماعی - اقتصادی و مشارکت سیاسی انتخاباتی ریاست جمهوری در ایران بازه زمانی ۱۴۰۰-۱۳۷۶ با رویکرد فرا ترکیب می‌باشد. بر همین اساس مهم‌ترین پژوهش‌های شکل گرفته علمی - پژوهشی در زمینه

اثرگذاری شکاف‌های اجتماعی - اقتصادی بر مشارکت سیاسی انتخاباتی ریاست جمهوری در ایران را مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مبانی نظری پژوهش

مشارکت سیاسی

یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر روند دموکراسی مشارکت سیاسی است. مشارکت سیاسی را فعالیت ارادی می‌داند که از طریق آن، اعضای جامعه مستقیم یا غیرمستقیم در انتخاب حاکمان و در شکل دادن به سیاست عمومی سهیم می‌شوند. مشارکت سیاسی، درگیری فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی از عدم درگیری تا داشتن مقام سیاسی است؛ زیرا این مؤلفه دگرگونی در ساخت قدرت سیاسی و عقلانی کردن شیوه زندگی مردم را به دنبال دارد. در همین ارتباط، انتخابات یکی از شاخصه‌های توسعه سیاسی و بیانگر نقش مردم در حکومت است. قوانین انتخاباتی، اجرای آن و میزان مشارکت مردم در مشارکت سیاسی، شامل فعالیت‌های اختیاری صورت گرفته توسط توده مردم برای تأثیر بر سیاست عمومی است. این تأثیر می‌تواند به صورت مستقیم یا به صورت انتخاب شخصی باشد که سیاست‌گذاری می‌کند. مثال این فعالیت‌ها شامل رأی دادن در انتخابات، کمک کردن به یک رقابت سیاسی، کمک مالی به یک کاندیدا، تماس با مقامات، اعتراضات و ... مشارکت سیاسی در تمام سطوح متناسب با پایگاه اجتماعی، اقتصادی، تحصیلات، سن، شغل، جنسیت، مذهب، قومیت، ناحیه، محل سکونت، شخصیت و محیط سیاسی یا زمینه‌هایی که در آن مشارکت صورت می‌گیرد، فرق می‌کند. همبستگی بالایی میان میزان مشارکت سیاسی و معروف وجود دارد، یعنی اثربخشی سیاسی فرد و این «اثربخشی سیاسی» میزان آن چه اساساً از احساس که می‌توان در سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها تأثیر گذاشت از جمله تأثیرات ملموس و عینی دموکراسی، مشارکت سیاسی شهروندان در انتخاب رهبران سیاسی و همچنین میزان تأثیرگذاری رأی آن‌ها بر تصمیمات نخبگان سیاسی در حوزه سیاست‌گذاری‌های کلان و امور اجرایی است که مستقیماً با آرا و سرنوشت مردم گره خورده و پیوند ناگسستنی دارد (۱۱: ۴۲).

مسئله مشارکت سیاسی در جوامع بشری، یک مسئله عام و فراگیر است و کمتر روزی را می‌توان یافت که در رسانه‌های جمعی، مطبوعات و حتی گفتگوهای روزمره حرفی از حقوق بشر و مشارکت مردم در سرنوشت دولت‌ها در میان نباشد. در تعریف مشارکت سیاسی صاحب‌نظران مختلفی نظر داده که به چند مورد اشاره می‌شود:

جدول شماره (۱): دیدگاه‌های اندیشمندان در خصوص مشارکت سیاسی و ابعاد آن

نام اندیشمند	مشارکت سیاسی	ابعاد مشارکت سیاسی از دیدگاه خود
هانتینگتون و نلسون	مشارکت سیاسی، زیربنای نوسازی سیاسی،	فعالیت در سازمان، انتخابات، و انگیزه کبر، قدرت
راش	کوشش سازمان یافته مردم درباره حکومت و سیاست	انتخابات، تأمل، گیری سیاسی، و جنبش
لوسین پای و آلموند	جامعه پذیری مشارکت سیاسی از کودکی تا بزرگسالی	انتخابات و تأییدات سیاسی دولت
لیبست	مشارکت سیاسی، زیربنای نوسازی اقتصادی	رفتار رأی دهنده، و عضویت حزب
بشیر به	مشارکت سیاسی، بستر جامعه دموکراتیک و جامعه آزاد	انتخابات و عضویت در احزاب

منبع: (۲۵).

عواملی نظیر انگیزه‌های سیاسی، موقعیت اجتماعی، ویژگی‌های شخصیتی، محیط سیاسی، مهارت‌ها و منابع سبب تغییر در مشارکت می‌شوند. بر همین اساس، تمایزات و الگوهای رفتاری در قلمرو مشارکت تابعی است از پایگاه اجتماعی، محیط سیاسی، یا زمینه‌ای که مشارکت در آن صورت گرفت (۴۳: ۱۶۵). رأی دادن کمترین شکل مشارکت و تعهد سیاسی است. زیرا با انداختن رأی به صندوق چه بسا هم مشارکت و هم تعهد از بین برود. عمق و گستره مشارکت سیاسی به شاخص‌های هم چون باز یا بسته بودن نظام سیاسی اجتماعی و فرهنگ سیاسی یک جامعه دارد. آشکارترین شیوه مشارکت سیاسی در جوامع مردم‌سالار امروز انتخابات است. از آن جا که همه شهروندان نمی‌توانند به طور مستقیم در حکومت مشارکت کارآمدی داشته باشند، نظام نمایندگی غیر مستقیم و نیابتی شکل مناسبی از مشارکت، در جوامع پیچیده امروزی است. انتخابات شیوه دموکراتیک‌گزینه‌های نهادهای نمایندگی مردم و بنیاد مشروعیت ساختارهای مردم‌سالار است. بنا به قانون اساسی بسیاری از کشورها، تعیین مقاماتی که پست‌های کلیدی را در کشور به دست می‌گیرند باید از طریق انتخابات صورت گیرد. بر همین اساس انتخابات پدیده‌ای زمان‌مند و مکان‌مند می‌باشد. با این وجود برگزاری انتخابات در کشور دلیل بر دموکرات و دموکراسی در آن کشور نمی‌باشد. در بعضی از جوامع هم که یک حزب رسمی وجود دارد یا پادشاه، انتخابات برگزار می‌شود. انتخابات بر اساس شکل حکومت، قانون اساسی و نظام انتخاباتی در کشورهای مختلف متفاوت می‌باشد (۲: ۱۱۷).

شکاف‌های اجتماعی

شکاف اجتماعی، گسست و انشعاب بین افراد، نهادها و گروه‌های اجتماعی است که در منافع، ارزش‌ها و موقعیت آن‌ها ریشه دارد. این گسست ممکن است سبب شکل‌گیری گروه‌ها و نیروهای اجتماعی متعارضی شود که برای اعضای خود هویت جمعی قائل‌اند. مفهوم شکاف در جامعه‌شناسی معاصر به آن دسته از تفاوت‌ها و تمایزات پایداری که مورد استفاده قرار گرفته و در مبارزات انتخاباتی و رفتار رأی‌دادن مشاهده می‌شود (۶: ۵۲). دلیل این مدعا این است که شکاف‌های اجتماعی در بطن مناسبات جامعه و سیاست قرار دارند و مهم‌تر این که در قانون توزیع و تخصیص قدرت هستند و این خود سبب تأثیر در رفتار انتخاباتی که یکی از حوزه‌های اصلی جامعه‌شناسی قرار دارد می‌باشد (۲۹). شکاف در جامعه‌شناسی معاصر برای آن دسته از تمایزات و تفاوت‌های پایداری مورد استفاده قرار گرفته که در جریان مبارزات انتخاباتی و رفتار رأی‌دهی مشاهده می‌شود. کارگزاران تغییر و شکاف در جوامع مختلف متفاوت هستند، این کارگزاران اغلب عبارتند از: اشخاص، گروه‌ها و انجمن‌هایی که تغییر را وارد می‌کنند. در وهله اول می‌توان به عوامل مسلط تاریخی اشاره نمود این عوامل شامل: محیط جغرافیایی، گسترش تکنولوژی، نژاد، ساخت اجتماعی، آگاهی و شعور، اعتقادات دینی و غیره می‌باشند. علاوه بر عوامل مهم تاریخی در

تغییرات اجتماعی باید به نقش انسان‌هایی که تاریخ و دگرگونی را در جوامع می‌سازند را مدنظر قرار داد زیرا کنش‌ها و تصمیمات افراد جوامع هستند که سرنوشت جوامع را مشخص می‌سازند (۲۷). در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان شکاف‌های اجتماعی را به دو دسته تقسیم کرد:

ساختاری و تصادفی

شکاف‌های ساختاری آن دسته از شکاف‌های اجتماعی هستند که به مقتضای وجود جامعه پدید می‌آیند و ناشی از ویژگی‌های ذاتی و طبیعی جامعه بشری هستند. شکاف طبقاتی - اقتصادی یکی از جلوه‌های شکاف ساختاری در جوامع هست. شکاف ساختاری دیگری که به مقتضیات ماهیت جامعه بشری وجود دارد، شکاف جنسیتی، میان مرد و زن می‌باشد. همه جوامع بشری به طور طبیعی از حیث جمعیتی به دو بخش مرد و زن تقسیم و تفکیک می‌شوند. این شکاف ممکن است بالقوه باقی بماند و یا به یک شکاف اجتماعی بالفعل تبدیل شود. تبدیل یک شکاف اجتماعی از حالت بالقوه به بالفعل به علل و عوامل مختلفی بستگی دارد. یکی دیگر از شکاف‌های ساختاری، شکاف نسل‌ها می‌باشد. شکی نیست که با توجه به عمر انسان و مرگ و میر نوع بشر، پیدایش نسل‌های مختلف امری طبیعی است، مانند وجود نسل جوان و یا نسل بزرگسال و پیران در هر جامعه که شامل عده‌ای از افراد آن جامعه می‌شود. ترکیب جمعیتی یک جامعه و پیامدهای آن مانند شکاف‌های نسلی می‌تواند تأثیر مهمی بر سپهر سیاسی جامعه بگذارد.

شکاف‌های تصادفی به آن دسته از شکاف‌های اجتماعی گفته می‌شود که حاصل تصادفات تاریخی جوامع است. این نوع شکاف‌ها ممکن است در جامعه‌ای به وجود آید اما در جامعه‌ای دیگر پدیدار نگردد. جوامع در مرحله گذار معمولاً با شکاف‌های تصادفی مواجه می‌شوند. شکاف‌هایی مانند شکاف‌های قومی چه در جوامع سنتی و چه در جوامع در حال گذار و مدرن، شکاف‌های فرهنگی و زبانی، شکاف‌های مذهبی، شکاف مرکز و پیرامون، و ... از جمله شکاف‌های تصادفی هستند که در همه جوامع یافت نمی‌شود. این شکاف‌ها ممکن است منشأ تاریخی، جغرافیایی و یا ریشه در تحولات اجتماعی خاص داشته باشند (۴۶: ۶). شکاف‌های اجتماعی در جوامع مختلف، متفاوتند. به عبارت دیگر همه جوامع دارای شکاف‌های اجتماعی مشابه نیستند، مثلاً سنخ و نوع شکاف‌هایی که جوامع غربی را چند پاره می‌کند، با شکاف‌های اجتماعی در جوامع شرقی تفاوت دارد. جوامع در حال گذار هم‌چون ایران از وجود شکاف‌های ساختاری و تصادفی پتانسیل برخورداری را دارند.

اهمیت شکاف‌های اجتماعی در مشارکت سیاسی انتخاباتی

حوادث اجتماعی - سیاسی را می‌توان از زوایای گوناگون مورد ارزیابی و تحلیل قرار داد. توجه به عوامل درونی و آن چه ماهیت پدیده را شکل می‌دهد در کنار مقاطع ادواری خاص پدید، آثار، نتایج و دستاوردها مورد توجه است. یکی از مهم‌ترین عوامل به وجود آورنده و یا تشدید کننده این حوادث

شکاف‌هایی هستند که در بطن و ساختار هر جامعه‌ای یافت می‌شوند. هر چند به دلیل ماهیت متفاوت شکاف‌های اجتماعی در جوامع مختلف توافقی بر سر تعریف یا حتی گونه‌شناسی شکاف‌ها وجود ندارد، اما اغلب این نکته را می‌پذیرند که شکاف‌های اجتماعی بیانگر معیارهایی هستند که اعضای جامعه را به گروه‌های مختلف تقسیم می‌کنند. این معیارها می‌توانند تاریخی، فرهنگی، مذهبی، اقتصادی، جغرافیایی و ... باشند. این شکاف‌ها به صورت بالفعل یا بالقوه در جوامع وجود دارند. بررسی تأثیر نیروهای اجتماعی بر زندگی سیاسی نیازمند شناخت مبانی تکوین آن‌ها است. زندگی سیاسی در هر کشور به طرق مختلف تحت تأثیر شکاف‌های موجود در آن جامعه قرار گرفته و بر این اساس شناخت شکاف‌های موجود در جامعه و مفهوم شکاف در جامعه‌شناسی از اهمیت به سزایی برخوردار است. چرا که شکاف‌های اجتماعی در بطن مناسبات جامعه و سیاست قرار دارند و مهم‌تر این که در کانون توزیع و تخصیص قدرت هستند و این خود سبب تأثیر در مشارکت سیاسی و انتخابات که یکی از حوزه‌های اصلی جامعه‌شناسی است، می‌باشد. جامعه‌شناسان سیاسی معتقدند رفتار رأی‌دهی شهروندان بیانگر عمق گرایش‌ها نهفته در جامعه است که به عنوان کنش سیاسی ریشه در شکاف‌های اجتماعی-اقتصادی دارد و از این رو در تحلیل رفتار انتخاباتی نقش عوامل اجتماعی و شکاف‌ها و تعارضات منبث از آن‌ها اهمیت بسیار دارد. اهمیت وجود شکاف‌های اجتماعی و اثرگذاری بر مشارکت سیاسی انتخاباتی باعث شده باعث شده که تحقیقات مختلفی در مورد نحوه اثرگذاری شکاف‌های اجتماعی بر مشارکت سیاسی انتخاباتی شکل بگیرد. در زیر به مهم‌ترین نظریه‌پردازان و رویکردهای آن‌ها در این حوزه اشاره می‌شود:

جدول شماره (۲): نویسندگان شاخص مشارکت سیاسی

نویسنده	رویکرد نویسندگان	نظریه‌های اثرگذاری شکاف‌های اجتماعی بر مشارکت سیاسی انتخاباتی
آنتونی داونز، جیمز بوچانان، گوردن تولاکه	نئوکلاسیک (انتخاب عمومی)	- منافع شخصی از اقتصاد - گرفتن امتیازات شخصی از سیاست دولت‌ها
جورژ هومانس، میشل هجر، کارل دیتراوب	انتخاب منطق (ساختارگرا)	- بر مفاهیم جامعه‌شناختی از قبیل ارزش‌ها، هنجارها و ساختارها برای تبیین رفتار رأی‌دهی تکیه می‌کند. - تأکید بر ارزش‌های فرهنگی
-	مدل روان‌شناختی اجتماعی	بیشتر اشکال غیرمتعارف مشارکت سیاسی مانند اعتراض و شورش را در بر می‌گیرد. تأکید بر بسیج سیاسی را ارائه می‌دهد
پیانوریث لازارسفلد	الگوی تلفیقی دترمینستی	تأکید بر مشارکت در سه سطح خورد، میانی و کلان در وجود تعارضات مذهبی، طبقاتی، مرکز و پیرامون برای توضیح رفتار انتخاباتی سودجسته‌اند
محققان دانشگاه میشیگان لیبست و راکان	دترمینستی ساخت اجتماعی	تأکید بر هویت حزبی شکاف‌های اجتماعی حاصل تحولات تاریخی، رابطه میان وفاداری، همبستگی و التزام سیاسی اهمیت دارد.
بارتولینی و مایر	نهادی	در سه سطح تجربی، سطح هنجاری و سطح کلان و نهادی بررسی می‌کنند.
منزا و بروکز	ستیز کلان سیاسی	در سه سطح: ساخت اجتماعی، ستیز و هویت‌یابی گروهی ستیزهای کلان را مورد بررسی قرار می‌دهند.

ادبیات تحقیق

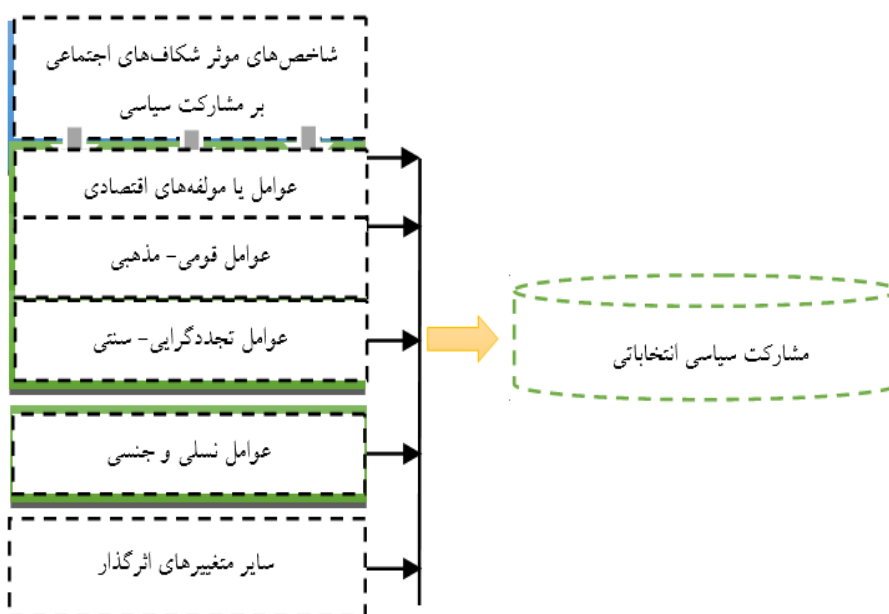
در خصوص نگاه فراترکریبی به مسئله اثرگذاری شکاف‌های اجتماعی بر مشارکت سیاسی انتخاباتی پژوهش خاصی صورت نگرفته است. اما نتایج بعضی از پژوهش‌ها نسبت به موضوع کلی تحقیق یعنی عوامل اثرگذار بر مشارکت سیاسی انتخابات ریاست جمهوری مطالعاتی صورت گرفته که در ذیل ارائه می‌گردد:

خانیکی و خجیر(۲۵)، در مقاله‌ای به فراتحلیل مشارکت سیاسی کاربران رسانه‌های اجتماعی پرداخته‌اند. در این مقاله در دو سطح داخلی و خارجی به بررسی نقاط قوت و ضعف و مقایسه پژوهش‌های مرتبط با رسانه‌های اجتماعی و مشارکت سیاسی پرداخته‌اند. محمدزاده راوندی و همکاران(۳۱)، در این پژوهش با رویکرد فراترکیب و با نگاهی جامع و کلی شاخص‌ها و مؤلفه‌های اصلی مؤثر بر مشارکت در انتخابات استخراج گردیده است. این پژوهش به این سؤال پاسخ می‌دهد که عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی در ایران کدامند. شهرام‌نیا(۴۰)، در بررسی رابطه میان مشارکت سیاسی و رفاه اقتصادی بیان می‌دارد که شرکت بیشتر افراد با طبقه اقتصادی متوسط در فعالیت‌های سیاسی می‌تواند ناشی از حساسیت و اهمیت بیشتر مسائل سیاسی برای موقعیت اجتماعی و اقتصادی آن‌ها نسبت به رتبه اقتصادی پایین و بالا باشد. از این منظر می‌توان استدلال نمود که صاحبان موقعیت اقتصادی بالا بهتر می‌توانند خود را از نوسانات سیاسی و تأثیر آن بر شرایط خود آزاد کنند. مقصودی(۲۸)، مشارکت انتخاباتی اقوام در ایران بررسی موردی: انتخابات ریاست جمهوری. در این مقاله نویسنده ضمن تلاش برای تبیین ابعاد نظری انتخابات و فرایندهای آن، جایگاه اقوام را در مبارزات انتخاباتی جوامع در حال گذار به دموکراسی تشریح نموده، گام‌های ایرانیان در گذار به دموکراسی و تجربیات تاریخی آن‌ها را بر می‌شمارد، و ضمن دسته‌بندی رویکردهای مختلف نسبت به مشارکت سیاسی اقوام در جامعه سیاسی ایران به سه دسته مونولوژیست‌ها، دیالوژیست‌ها و اپورتونیست‌ها، با دست‌مایه قرار دادن ۹ دوره انتخابات ریاست جمهوری، میزان مشارکت مردم دو استان کردستان و سیستان و بلوچستان را مورد تجزیه و تحلیل و بررسی قرار می‌دهد.

علاوه بر این بشیریه و قاضیان(۵)، بررسی تحلیلی مفهوم شکاف‌های اجتماعی، تاجیک و حقیقی(۴۱)، بررسی تأثیر شکاف‌های اجتماعی بر انتخابات؛ مطالعه موردی انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری، خراسانی(۲۶)، تأثیر شکاف‌های اجتماعی بر تغییر رفتار رای دهندگان در انتخابات دوم خرداد، نیاکوئی(۳۲)، جامعه‌شناسی منازعات سیاسی در ایران «انتخابات ۱۳۸۸» پرداخته‌اند. در مجموع بررسی پیشینه پژوهشی موضوع بیانگر این امر است که اغلب محققان در تحلیل مشارکت سیاسی و به طور کلی در انتخابات، به عوامل اجتماعی- اقتصادی، قومیت، شبکه‌های اجتماعی، شکاف‌های اجتماعی پرداخته‌اند. تلاش‌های صورت گرفته در این حوزه مقطعی و موردی بوده و بنابراین قابلیت تعمیم ندارند. لذا در این مقاله با نگاه فراترکیب کلیه پژوهش‌های مرتبط مورد بررسی قرار گرفته و نتایج حاصل در یک نما ارائه گردیده است.

الگوی نظری تحقیق

الگوی نظری تحقیق با توجه به مبانی نظری و مباحث تجربی (پیشینه) به شکل زیر طراحی شده است:



شکل شماره (۱): الگوی نظری تحقیق

روش پژوهش

در این پژوهش از روش کیفی فراترکیب استفاده شده است. فراترکیب، نوعی مطالعه کیفی است که از اطلاعات و یافته‌های مطالعات دیگر با موضوع مرتبط و مشابه استفاده می‌کند. فراترکیب، ترکیب تفسیرهای داده‌های اصلی مطالعات منتخب است. فراترکیب ریشه در این مفروض دارد که دانش، امری انباشتی و تراکمی است و گسترش دانش در مورد یک موضوع می‌تواند از طریق «یکپارچه‌سازی، تلفیق شواهد پیشین» به دست آید (۴۹). این روش، روش کیفی و مبتنی بر مرور نظامند پژوهش‌های اسنادی برای شناخت ژرف درباره پدیده مورد مطالعه است. فراترکیب در پژوهش حاضر، تلاش شده مطالعات پیشین بر حسب متغیرهای‌شان دسته‌بندی و در مقوله‌های مفهومی اصلی دسته‌بندی شوند. پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر گردآوری داده‌ها، کیفی است که با روش پژوهش کتابخانه‌ای از نوع مطالعات ثانویه و فراترکیب صورت گرفته است. تجزیه و تحلیل اطلاعات در چند مرحله انجام شده است. در مرحله اول با بررسی کامل ادبیات پژوهش، فهرستی از مقالات مرتبط با این حوزه و حتی مقالاتی که به طور فرعی به این موضوع پرداخته‌اند، تهیه شده است. در مرحله دوم، چکیده این مقالات استخراج و دسته‌بندی و در مرحله سوم با استخراج عناصر کلیدی، ترکیب نهایی انجام و تحلیل و جمع‌بندی صورت گرفته است. مراحل و روش کلی هفت مرحله‌ای فراترکیب در شکل ذیل آورده شده است:



شکل شماره (۲): مراحل و روش کلی فراترکیب

با توجه به این که مشارکت سیاسی گستره وسیعی از مفاهیم را در بر می‌گیرد، پس از مشخص کردن هدف، همه پژوهش‌ها و فعالیت‌های قابل دسترسی از طریق سایت‌های الکترونیکی ایرانی و با محوریت کلید واژه‌های مرتبط با موضوع جستجو و نتایج جستار مورد مطالعه قرار گرفت. در ادامه بر اساس مراحل و گام‌های ارائه شده (۳۹)، روند پژوهش ادامه پیدا کرد.

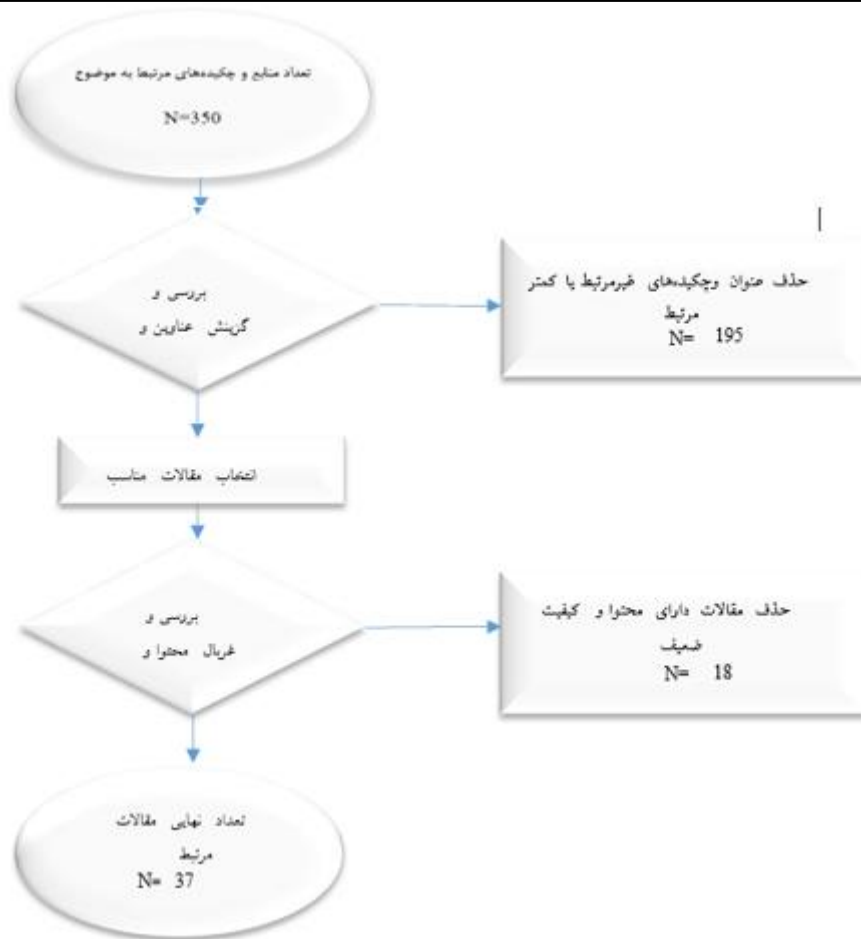
تجزیه و تحلیل اطلاعات با روش فرا ترکیب

در این مطالعه، سعی می‌شود بر اساس مطالعات پژوهش‌های گذشته، پس از معرفی اجمالی مشارکت سیاسی و شکاف‌های اجتماعی به دسته‌بندی و ارائه منسجم آن در قالب الگویی نظام‌مند پرداخته شود. همچنین برای تنظیم سؤال پژوهش عوامل مختلفی در نظر گرفته شد و نهایتاً شناسایی مهم‌ترین عوامل تأثیرگذاری شکاف‌های اجتماعی بر مشارکت سیاسی انتخاباتی ریاست جمهوری در ایران مورد مطالعه قرار گرفت. جامعه مورد مطالعه، سایت‌های علمی ایرانی، اسناد کتابخانه‌ای و مهم‌ترین مقالات علمی و از روش تحلیل اسناد بهره گرفته شده است. در جدول زیر که به صورت کدگذاری از مقالات تدوین گردیده مهم‌ترین کلید واژه‌های اثرگذار شکاف‌های اجتماعی بر مشارکت سیاسی انتخاب گردید.

جدول شماره (۳): کلید واژه‌های اثرگذار

فارسی

مشارکت سیاسی، انتخابات، انتخابات ریاست جمهوری، اقوام، احساس محرومیت، مذهب، جنسیت، سن، پایگاه طبقاتی، طبقه، معیشت، اقتصاد، تحصیلات، شکاف، شکاف‌های اجتماعی، سنت، مدرنیته، مردم سالاری، تجدد، گفتمان سازی،



شکل شماره (۳): فرایند بازیابی مقالات

جدول شماره (۴): ۵۵ مقاله منتخب از ۳۵۰ مقاله و امتیاز مقالات بر اساس محتوا و کیفیت تحقیق (روش تحلیل زمینه)

مقاله	۱	۲	۵	۶	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۵	۱۶	۱۹
نمره نهایی	۶۰	۵۸	۴۷	۴۸	۱۵	۴۵	۱۷	۴۸	۴۷	۵۵	۵۶
مقاله	۲۲	۲۳	۲۴	۲۶	۲۸	۲۹	۳۰	۳۳	۳۵	۳۶	۳۷
نمره نهایی	۱۶	۱۴	۵۱	۶۲	۱۰	۴۹	۱۰	۴۶	۱۳	۵۶	۵۱
مقاله	۴۵	۴۶	۵۰	۵۲	۵۶	۵۴	۵۵	۵۸	۶۲	۶۵	۶۶
نمره نهایی	۶۰	۵۵	۱۳	۱۰	۹	۴۹	۱۱	۱۱	۶۱	۵۸	۱۰
مقاله	۷۰	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۸۰	۸۱	۸۲	۸۵	۸۶	۸۸
نمره نهایی	۵۲	۱۲	۶۵	۵۳	۱۰	۱۴	۵۸	۵۵	۱۰	۴۵	۴۵
مقاله	۸۹	۹۰	۹۱	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰	۱۰۲	۱۰۳
نمره نهایی	۵۴	۵۵	۱۷	۱۷	۵۴	۵۲	۵۰	۱۸	۵۰	۵۰	۴۸

جدول بر حسب تحلیل زمینه مقالات مورد بررسی استخراج گردید. تحلیل زمینه، روشی برای تعیین، تحلیل و بیان الگوهای درون داده‌هاست. کلارک و براون فرایندی شش مرحله‌ای را برای این تحلیل سامان داده‌اند که مراحل آن در شکل توضیح داده شده است. استخراج مفاهیم و شناسه‌های مرتبط با موضوع پژوهش، محتوای مقالات بررسی و شناسه‌هایی که باواژه‌های کلیدی ارتباط داشت، انتخاب و براساس آنها مفاهیم و مقوله‌ها شکل گرفت.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

با بررسی ۳۵۰ کار پژوهشی و تعیین ۵۵ مقاله مرتبط با موضوع و حذف ۱۸ مقاله ضعیف از میان آن‌ها، بر اساس روش فوق و نگاه فراترکیب ۴۳ شاخص اصلی اثرگذار شکاف‌های اجتماعی بر مشارکت سیاسی انتخاباتی ریاست جمهوری در ایران استخراج گردید. سپس چندین نوبت بازبینی و شکل‌دهی شاخص‌ها انجام و در چند مؤلفه اصلی دسته‌بندی گردیدند. در حقیقت داده‌های اصلی مطالعه مقالات منتخب، گردآوری، جرح و تعدیل و به فراخور موضوع کلی به عنوان نتیجه نهایی پژوهش فراترکیب، به شکل جدول دسته‌بندی گردیده است. در مؤلفه‌های اثرگذار شکاف‌های اقتصادی- اجتماعی ۱۶، شاخص از ۱۵ منبع استخراج گردید؛ منزلت، پایگاه اجتماعی، موقعیت اجتماعی، طبقه اجتماعی، اعتماد اجتماعی، تحصیلات شغل، درآمد، کسب زندگی بهتر، مسائل اقتصادی طبقه متوسط، منزلت، فشار اجتماعی، توزیع عادلانه ثروت، فاصله طبقاتی محرومیت دسته‌بندی شده‌اند. در زمینه شکاف‌های قومی و مذهبی ۱۲ شاخص، از ۹ منبع علمی پژوهشی تدوین گردید. مولفه‌های شکاف تجددگرایی- سنت‌گرایی ۱۰ شاخص، از ۱۰ مقاله استخراج شده و در مولفه‌های شکاف‌های نسلی و جنسی ۶، شاخص از ۵ منبع تدوین گردید.

جدول شماره (۵): مولفه‌ها و شاخص‌های تأثیرگذار شکاف‌های اجتماعی بر مشارکت سیاسی انتخاباتی

شکاف‌های اثرگذار	شاخص‌های تأثیرگذار	منابع	فراوانی
	- منزلت		
	- پایگاه اجتماعی		
	- موقعیت اجتماعی		
	- طبقه اجتماعی		
	- اعتماد اجتماعی		
شکاف‌های اقتصادی اجتماعی	- تحصیلات شغل	حاجی یوسفی و همکاران(۱۳۹۰)، صادقی(۱۳۸۸)، کلانتری (۱۳۸۵)، سمیعی و همکاران(۱۳۸۴)، ساعی(۱۳۸۷)، غفاری و کاویانی(۱۳۹۰)، اثنی عشری(۱۳۸۴)، تاجیک و روزخوش (۱۳۸۷)، جلالی‌پور و فولادیان (۱۳۸۸)، غفاری و کاویانی (۱۳۹۰)، رضوانی(۱۳۹۰)، محمدی لرد (۱۳۸۲)، یوسفی جویباری و همکاران(۱۴۰۱)، حاتمی و کلاته (۱۳۹۲)، زارعی و انصاری(۱۳۸۰).	۱۵
	- درآمد		
	- کسب زندگی بهتر		
	- مسائل اقتصادی طبقه متوسط		
	- منزلت		
	- فشار اجتماعی		
	- مرکز		
	- پیرامون		
	- توزیع عادلانه ثروت		
	- فاصله طبقاتی محرومیت		

۹	مقصودی (۱۳۸۵)، ساعی (۱۳۸۷)، عبدی، رحیمی و عیوضی (۱۳۹۲)، ایوبی (۱۳۸۰)، خواجه سروی و همکاران (۱۴۰۰)، عشاپری و همکاران (۱۴۰۱)، قادرزاده و محمدزاده (۱۳۹۷)، صالح‌آبادی (۱۴۰۰)، گلی و مهکویی (۱۳۹۳).	<ul style="list-style-type: none"> - هویت حزبی - قومیت - مطالبات قومی - مطالبات محلی - احساس محرومیت نسبی - اثرگذاری سیاسی - هویت قومی - تنوع زبانی - مذهب - شعارهای قومی - مذهبی - نژاد - تاریخ 	شکاف قومی، مذهبی
۱۰	غفاری و قاسمی (۱۳۸۳)، امام جمعه‌زاده و کریمی (۱۳۹۰)، نبوی (۱۳۸۴)، زیبا کلام (۱۳۸۵)، جلالی‌پور (۱۳۸۴)، اسلامی (۱۳۷۶)، خراسانی (۱۳۷۹)، کاویانی (۱۳۹۱)، جلالی‌پور و فولادیان (۱۳۸۸)، زیباکلام، افشاری و اصلان‌زاده (۱۳۸۹).	<ul style="list-style-type: none"> - تجددگرایی - شبکه‌های اجتماعی جدید - تبلیغات - گفت‌وگوسازی نو - فرهنگ سیاسی مشارکتی - قدرت درون حاکمیتی - گروه‌های شبه نظامی - تقدم توسعه - دولت و ملت - گذار به دموکراسی 	شکاف تجددگرایی و سنت‌گرایی
۵	آراسته‌خو (۱۳۸۰)، قاسمی و غفاری (۱۳۸۳)، ساعی (۱۳۸۷)، پرجمی و درخشان (۱۴۰۰)، اسلامی و صائبی (۱۳۹۴).	<ul style="list-style-type: none"> - سن - جنس - زنان - دانشجویان - برابری خواهی - آزادی 	شکاف نسلی و جنسی

دو مقاله در بین مقالات در دو شکاف و شاخص مورد استفاده قرار گرفت. در کنار این شاخص‌های مقالاتی نیز به شخصیت‌های کاندیدها، شبکه‌های اجتماعی، شرایط زمانی و مکانی و ویژگی‌های شخصیتی را مورد بررسی قرار دادند. اما بررسی شاخص‌ها بر اساس کدگذاری که به صورت باز و محوری انجام گردید باعث شده تا بعضی از شاخص‌ها به دلیل همپوشانی بودن و ارتباط معنایی و در ذیل یک مولفه اساسی قرار بگیرد.

روایی و پایایی

در این پژوهش تعداد پنج مقاله از مقالات منتخب در اختیار دو پژوهشگر قرار دادیم که در مجموع از بررسی سه پژوهشگر تعداد ۲۴ کد توسط پژوهشگر اول، ۲۰ کد پژوهشگر دوم و ۲۲ کد توسط پژوهشگر سوم تأیید شد. میزان کاپای مورد تأیید توسط نرم افزار Spss، مقدار ۰٫۶۹ بوده که قبول آن (0,6) بالاتر

بوده است (۳۱: ۲۰). بنا بر نظر پژوهشگران استقلال کدهای استخراجی رد و به هم وابستگی کدهای استخراجی تأیید می‌گردد. لذا می‌توان ادعا نمود که کدهای مورد استفاده برای استخراج مؤلفه‌ها از پایایی کافی برخوردار بوده‌اند.

نتیجه‌گیری

مشارکت سیاسی را اقدام داوطلبانه موفق یا ناکام، سازمان یافته یا بی‌سازمان، گذارا یا پایدار که برای تأثیرگذاری در انتخاب سیاست‌های عمومی، اداره امور عمومی یا گزینش رهبران سیاسی در سطوح مختلف حکومتی و در گستره ملی و محلی، روش‌های قانونی یا غیرقانونی را به کار گیرد، تعریف می‌شود. عواملی نظیر انگیزه‌های سیاسی، موقعیت اجتماعی، ویژگی‌های شخصیتی، محیط سیاسی، مهارت‌ها و منابع سبب تغییر در مشارکت می‌شوند. بر همین اساس، تمایزات و الگوهای رفتاری در قلمرو مشارکت تابعی است از پایگاه اجتماعی، محیط سیاسی، یا زمینه‌ای که مشارکت در آن صورت گرفت. آشکارترین شیوه مشارکت سیاسی در جوامع مردم‌سالار امروز انتخابات است. از آن جا که همه شهروندان نمی‌توانند به طور مستقیم در حکومت مشارکت کارآمدی داشته باشند، نظام نمایندگی غیرمستقیم و نیابتی شکل مناسبی از مشارکت، در جوامع پیچیده امروزی است. به همین دلیل در کشورهای در حال گذار مانند ایران به دنیای دموکراتیک توجه به مقوله انتخابات به خصوص ریاست جمهوری از اهمیت به سزایی برخوردار است. اصولاً مشارکت سیاسی انتخاباتی در جوامع مختلف تأثیرپذیر از وجود شکاف‌های اجتماعی در آن جامعه می‌باشد. وجود شکاف‌های اجتماعی و نیروهای تأثیرگذار در جوامع که بر پایه همین شکاف‌ها شکل می‌گیرند باعث شده که تحقیقات مختلفی در مورد نحوه اثرگذاری شکاف‌های اجتماعی بر انتخابات و رفتار انتخاباتی شکل بگیرد. در این مقاله که با روش فراترکیب به صورت کیفی و با بررسی مقالات و کارهای پژوهشی صورت گرفته انجام گردید به بررسی ۳۵۰ کار پژوهشی که به صورت مقاله نوشته شده بودند با بررسی ابتدایی، به ۵۵ مقاله مرتبط با اثرگذاری شکاف‌های اجتماعی بر مشارکت سیاسی انتخاباتی ریاست جمهوری در ایران پرداخته شد و سپس بعد از چندین مرحله جرح و تعدیل و حذف ۱۸ مقاله با بار علمی ضعیف به بررسی ۳۷ مقاله پرداختیم. در این محله با بررسی ۳۷ مقاله منتخب با روش کدگذاری باز و محوری به ۱۶ شاخص اصلی در زمینه شکاف اجتماعی اقتصادی با محوریت: منزلت، پایگاه اجتماعی، موقعیت اجتماعی، طبقه اجتماعی، اعتماد اجتماعی، تحصیلات، شغل، درآمد، کسب زندگی بهتر، مسائل اقتصادی، طبقه متوسط، فشار اجتماعی، مرکز، پیرامون، توزیع عادلانه ثروت، فاصله طبقاتی و محرومیت پرداخته شد. در زمین شکاف‌های قومی و مذهبی به ۱۲ شاخص با محوریت: هویت حزبی، قومیت، مطالبات قومی، مطالبات محلی، احساس محرومیت نسبی، اثرگذاری سیاسی، هویت قومی، تنوع زبانی، مذهب، شعارهای قومی - مذهبی، نژاد و تاریخ تدوین گردید. در زمینه شکاف‌های تجددگرایی و سنت‌گرایی به ۱۰ شاخص به محوریت: تجدد گرایی، شبکه‌های اجتماعی جدید، تبلیغات،

گفتمان‌سازی نو، فرهنگ سیاسی مشارکتی، قدرت درون حاکمیتی، گروه‌های شبه نظامی، تقدم توسعه، دولت و ملت و گذار به دموکراسی در زمینه شکاف‌های نسلی و جنسی به ۶ مؤلفه با محوریت: سن، جنس، زنان، دانشجویان، برابری خواهی و آزادی را بررسی کردیم.

مهمترین یافته‌های پژوهش عبارتست از:

اول) به کار بردن روش فراترکیب (کیفی) در پژوهش‌های مرتبط با مشارکت سیاسی و اثرگذاری شکاف‌های اجتماعی بر آن در بحث انتخابات ریاست جمهوری است.

دوم) بیشترین کارهای پژوهشی در زمینه اثرگذاری شکاف‌های اجتماعی بر انتخابات ریاست جمهوری در ایران مرتبط به شکاف‌های اقتصادی و اجتماعی با کارهای حاجی‌یوسفی و همکاران (۱۳)، صادقی (۳۵)، کلانتری (۲۱)، سمیعی و همکاران (۳۷)، ساعی (۳۵)، غفاری و کاویانی (۱۱)، اثنی عشری (۹)، تاجیک و روزخوش (۴۰)، جلایی‌پور و فولادیان (۱۹)، رضوانی (۳۳)، محمدی لرد (۳۰)، یوسفی جویباری و همکاران (۴۳)، حاتمی و کلاته (۱۴)، زارعی و انصاری (۴۴)، می‌باشد.

سوم) بررسی مقالات مرتبط با مشارکت سیاسی و انتخابات نشان می‌دهد که غالب کارهای پژوهشی در این زمینه مرتبط با انتخابات ادوار مختلف مجلس شورای اسلامی بوده است. در زمینه انتخابات ریاست جمهوری و به خصوص شکاف‌های اجتماعی نسلی و جنسی کار پژوهشی منسجم و قوی صورت گرفته است.

چهارم) شاخص‌های استخراجی و کدها از همپوشانی زیادی برخوردار هستند. بعضاً یک کد یا مؤلفه در بر گیرنده چندین مضمون و کد دیگر بوده که قابلیت تعمیم بقیه را داشته و از آوردن کد و تکرار آن خودداری شد.

تعارض منافع

«بنا بر اظهار نویسندگان مقاله حاضر فاقد هر گونه تعارض منافع بوده است.»

منابع

1. Abdi, Atollah; Rahimi, Reza and Ayouzi, Mohammad. (2013). Explanation of ethnic approaches in the election slogans of presidential candidates, *Geopolitik Quarterly*, 10th year, 3rd issue, Autumn 2013.
2. Abdullah, Abdul Mutalib. (2012). "Analysis of voting behavior in Iran", Tehran: Imam Sadiq University Press, first edition.
3. Araste Kho, Mohammad. (2010). The history of political participation in Iran, its sociological obstacles and problems, *Jamiat Quarterly*, No. 23 and 24.
4. Ayubi, Hojjatullah. (2001). Ethnic divisions and violence in political struggles, *Strategic Studies Quarterly*, No. 21.
5. Bashirieh, Hossein (2013). "An introduction to the political sociology of Iran during the Islamic Republic", 6th edition, Tehran: Contemporary view.
6. Bashiriyeh, Hossein; Ghazian, Hossein Ali. (2010). "Analytical examination of the concept of social gaps", *Humanities Research Journal*, No. 30, P.p: 41-45.
7. Eshairi, Taha and Adel, Haniyeh. (2022). Analysis of the model of political participation in the Islamic Republic of Iran (2005-2009), *Political Science*, 18th year, Autumn and Winter, 2022, Number 2, (Series 36).
8. Eslami, Masoud. (1995). Iran's international image and the recent presidential elections in Iran, *political-economic magazine*.
9. Ezni Eshri, Shahrhad. (2004). "Preconditions for maximum participation", Report monthly, *Khordad*, No. 164.
10. Ghafari, Masoud and Ghasemi, Ali Asghar. (2004). "Generation Gap and Democracy in Iran 2013-2015", *Journal of Social Sciences*, Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, winter, P.p: 33-61.
11. Ghafari, Masoud and Zareen Kaviani, Behrouz. (2010). Investigating the participation process of citizens of Kurdistan province in the elections of 1997-2005, *Geopolitics Quarterly*, 7th year, number 1, spring 2010.
12. Goli, A; Mehkoui, H. (2012). The spatial pattern of participation in the presidential elections, a case study of the 11th presidential term, *Geopolitics Quarterly*, 10th year, 2, P.p: 312-981.
13. Haji Yousefi, Amir Mohammad and Farazi, Mehdi and Salahi, Mahmoud. (2013). "The 9th Presidential Elections and the Social Bases of the Presidency in Iran", *Journal of Political Science*, 7th Year, Spring.
14. Hatami, Abbas and Kalate, Farzad. (2012). "The government in the periphery and the periphery in the government; Syndromes of the intertwining of economy, politics and society", *Strategic Studies Quarterly*, 17th year, 1st issue, Spring, 63.
15. Imam Jumazadeh, Javad and Karimi Rad, Javad. (2010). Analyzing factors affecting electoral behavior with a view to Iran, *specialized journal of political research*, first year, third issue.
16. Islami Saeed and Saebi, Hassan. (2014). Examining the electoral behavior of women in Iran (Case study: Electoral behavior of women in Rasht city in the 10th and 11th presidential elections of Iran, 2009 and 2013), period 4, number 3, *Mehr* 12015.
17. Jalaipour, Hamid Reza. (2005). Ninth choice; The achievement of the hidden government, the vision of Iran, November and December 2014.
18. Jalaipour, Hamidreza. (2010). "Sociology of social movements with an emphasis on the second reform movement of Khordad", 2nd edition, Tehran: New Design.

19. Jalaipour, Hamidreza and Fuladiyan, Majid. (2008). Conditions for the formation of charismatic leadership; A case study of Khatami period 1997-2005, *Political Science Journal*, 3rd year, 4th issue.
20. Kadirzadeh, Omid and Mohammadzadeh, Hossein. (2017). A survey study of ethnic identity seeking and politicization of Iranian Kurdish ethnicity, *Journal: Strategic Researches of Iran's Social Issues*, Volume. 7, Number. 1.
21. kalantari, Samad. (2006). Sociological analysis of the electoral behavior of Iranians in the 9th period of presidential elections, *Al-Aqsadi Political Quarterly*, P.p: 213-214.
22. Kaviani Rad, Murad. (2013). Spatial Distribution of Participation in the 11th Round of Presidential Elections, *Strategic Studies Quarterly*, 17th Year, Number. 1.
23. Kaviani Rad, Murad and Visi, Hadi. (2008). Investigating the effect of neighborhood on Iranian elections, a case study: the first period of presidential elections in Iran, *Geplotik Quarterly*, 4th year, 3rd issue, Autumn and Winter 2017.
24. Khaje Sarvi, Gholam Reza and Colleagues. (2021). Investigating and analyzing factors affecting citizens' political participation; Subject of study: Participation of the Turkmen people in the 12th presidential election, *Journal: Strategic Policy Research*, Volume. 10, Number. 37.
25. Khaniki, Hadi and Khajir, Yusuf. (2017). social media and political participation; Meta-analysis of political participation of social media users, *quarterly journal of interdisciplinary humanities studies*, Year. 7.
26. Khorasani, Alireza. (2000). The effect of social divisions on the change of voters' behavior in the second Khorhad elections, *Political Economic Quarterly* No. 104, P.p: 131-132.
27. Manzaco, J, and Brooks, C. (1999). *Social Cleavages an Politics change*, Oxford: Oxford University Press.
28. Maqsoodi, Mojtabi. (2015). Electoral participation of ethnic groups in Iran, a case study; Presidential Election, *National Studies*, Volume. 7, Number. 4.
29. Marshal, G. (1996). *Oxford Concise Dictionary of Sociology*. Oxford: Oxford University Press.
30. Mohammadi Lord, Abdul Mahmoud. (2012). The 11th presidential election and the political stability of the Islamic Republic of Iran, *Strategic Studies Quarterly*, 17th year, Number. 1, Spring 2013.
31. Mohammadzadeh Ravandi, Mehdi and Colleagues. (2023). Spatial Pattern Analysis of Factors Affecting Political Participation in Elections in Iran, *Scientific-Research Quarterly of Amash Mohit*, Number. 60, Spring 1402.
32. Niakoi, Amir. (2013). Sociology of Political Conflicts in Iran (Elections 2018), *Journal of Political Science*, 10th Year, Number. 1, Winter 2013.
33. Rezvani, Mohsen. (2007). Analysis of electoral behavior; A case study of the 9th presidential election, *Marafet Quarterly*, Year. 16, Number. 123.
34. Sadeghi, Fatemeh. (2009). The crisis of political representation and the elections of 22 Khordad, *Conversation Magazine*, No. 10.
35. Sai, Ali. (1999). Educational Development and Electoral Participation: A Case Study of the 9th Presidential Elections of the Republic of Iran, *Social Sciences Quarterly*, No. 45.
36. Salehabadi, Ibrahim. (2021). Religiosity and electoral participation in the country's cities (a case study of the 2016 presidential election), *Ferdowsi University of Mashhad Social Sciences*, period and number: Period. 18, Number. 2, Serial Number. 38, March 2021.

37. Samii Esfahani, Alireza et al. (2013). Examining the difference between economic factors, political competition and interference of foreigners in the presidential elections of 1997 and 2009, *Applied Sociology*, 25th year, Number 4, Winter 2014.
38. Sandelowski, M; Barroso, J. (2007). *Handbook for Synthesizing Qualitative Research*. New York: Springer.
39. Shahram Nia, Amir Massoud; Mohammadi Far, Nejat and Hatami Abbas. (2016). Analysis of factors affecting electoral behavior with an emphasis on the theory of political economy and dominant ideology in the 10th presidential election (case study: Jalga district of Isfahan), *researches Political strategy of the fifth year*, Winter 2015, Number. 19.
40. Tajik, Mohammad Reza and Rooz Khosh, Mohammad. (2007). Examining the 9th presidential election from the point of view of discourse analysis, *Journal of Faculty of Literature and Humanities*, Year. 16, Number. 61, Summer 2017.
41. Tajik, Mohammadreza. (1998). "Political-Psychological Autopsy of an Election", *Collection of New Election Articles (Sociological Analysis of the Second Khordad Event)*, 3rd Edition, Zikr Publications.
42. Weiner, Mayron. (2008). "Political Participation: The Crisis of the Political Process, A Collection of Articles on Crises and Sequences in Political Development", translated by Gholamreza Khaje Sarvi, first edition, Tehran: Strategic Studies Research Institute.
43. Yousefi Joybari, Mohammad; Venjatpour, Majid and Miri, Mojtabi. (2022). Sh. Kaf Center - Periphery and the 10th Presidential Election in Iran, *Policy Strategy Quarterly*, No. 18, Autumn 2022.
44. Zarei, Bahadur and Ansari, Zahra. (2013). A comparative study of political participation in the presidential elections, Tehran and the whole country, *Geography Quarterly*, Year. 12, Number. 41, Summer 2013.
45. Zeba Kalam, Sadegh; Afshari, Daoud and Aslanzadeh, Abdullah. (2009). The reasons for Mr. Khatami's coming to office (the government of reforms 1997) "Based on Huntington's theory of unbalanced development", *Quarterly Journal of Political and International Research of Shahr Reza Azad University*, number three, summer 2009.
46. Zibakalam, Sadegh. (2006). Ahmadinejad and the sociology of power in Iran, *Baz Tab Andisheh*, No. 74.
47. Zimmer, L. (2006) "Qualitative meta- synthesis: A question of dialoguing with texts" *Journal of Advanced Nursing*, 53 (3).